**مآخذ ابیات عربی مرزبان نامه**

**مهدوی دامغانی، احمد**

القول کاللّبن المحلوب لیس له‏ ردّ و کیف یردّ الحالب اللّبنا.(111)

(ترجمه:گفتار(سخن گفته شده)چون شیر دوشیده شده است که بازگشتی برایش نیست و دوشنده چون تواند که شیر را بازگرداند(به پستان).

این بیت بضمیمهء بیت دومی که متمم بیت اول است بدین‏شرح در(تشبیهات) «ابن ابی عون»بدون ذکر نام گوینده آمده است:

القول کاللّبن المحلوب لیس له‏ ردّ و کیف یردّ الحالب اللّبنا فی ضرعه و کذاک القول لیس له‏ فی الجوف ردّ قبیحا کان او حسنا

(تشبیهات چاپ گیب ص 409)

و این مضمون از امثال سائره است و اشعار فراوانی در این خصوص سروده‏اند از جمله ابیات(کعب بن جعیل)شاعر صدر اسلام و یکی از شاعران وقعهء صفین:

ندمت علی شتم العشیرة بعد ما مضت و استتبّت للرواة مذاهبه‏ فلم أستطع ادراکه بعد ما مضی‏ و کیف یردّ الدر فی الضرع حالبه

(اصابه 3/297-طبقات جمحی 191)

\*\*\*

مشی بر جلیه عمدا هجو مصرعه‏

لیقضی اللّه امرا کان مفعولا.

(113)

(ترجمه:با دو پای خود باختیار بسوی قتلگاهش روان شد تا خدای برگزارد کاری را که‏ کردنی بود.(ترجمهء قسمت اخیر از تفسیر منقول«کشف الاسرار»است.)

مصرع دوم این بیت قسمتی از آیه شریفه(44)از سورهء مبارکهء«انفال»است. و این بیت ثانی بیت دیگری است از پدر ابی الحسن باخرزی صاحب کتاب«دمیة القصر» که این اخیر آنرا در دمیة در مقام تفضیل و ترجیح آن بر دیگر ابیاتی که گویندگان‏ آن همین آیه شریفه را تضمین کرده‏اند آورده است و در ضمن ترجمه(ابو طالب‏ واسطی)و نقل تضمینی از او از همین آیه میگوید:

قلت:والدی أسبق من هذا الواسطی الی الغایة فی اقتباس هذه الایة فقد رئی‏ غلاما فی السباق بما أوجب له حیازة خصل السّبّاق:

و شاغل بالنوی قلبی لیجرحه‏ أمسی جریحا بنزع الروح مشغولا مشی برجلیه عمدا.... ...(دمیة القصر ص 80)

\*\*\*

ما ان ندمت علی سکوتی مرّة و لقد ندمت علی الکلام مرارا(113)

(ترجمه):بر(از)خاموش ماندنم یکبار هم پشیمان نشدم و(حال آنکه)بر(از)سخن(گفتن) بارها پشیمان شدم.

این بیت با اختلاف در ضبط از ابراهیم بن مهدی عبّاسی(عموی مأمون‏ و بقول ابی فراس رضوان اللّه علیه:شیخ المغنین‏1)است که أبی اسحق وشّا در (موشی ص 5)آنرا بضمیمهء ابیات دیگری آورده و بعضی از آن ابیات نیز در (لباب الاداب ص 278)و(غرر الخصائص ص 178)و(روضة العقلاء بستی ص 30)و (لطائف و ظرائف ص 42)بدون ذکر نام قائل آمده است و اینک مجموع پنج بیت‏ تلفیق شده از مآخذ مذکور:

ان کان یعجبک السّکوت فانّه‏ قد کان یعجب قبلک الاخیارا و لئن ندمت علی سکوت مرّة فلقد ندمت علی الکلام مرارا الصمت زین و السّکوت سلامة فاذا نطقت فلا تکن مکثارا ان السّکوت سلامة و لربّما زرع الکلام عداوة و ضرارا و اذا تقرّب خاسر من خاسر زادا بذاک خسارة و تبارا

\*\*\*

لا تحسینّ سرورا دائما ابدا من سرّه ز من ساء ته أزمان(ص 115)

(1)-اشاره به بیتی از شافیه:

منکم علیة ام منهم و کان لکم‏ شیخ المغنین ابراهیم ام لهم

ترجمه:البته هیچ شادیی را پایدار جاودانی مپندار که(دنیا)هر که را روزگاری شاد سازد روزگارانی اندوهگین کند.

مشهور چنانست که این بیت از جمله ابیات نونیه معروف(ابی الفتح بستی) بمطلع:

زیادة المرء فی دنیاه نقصان‏ و ربحه غیر محض الخیر خسران

میباشد و تمامی این قصیده که در غایت اشتهار است و بسیاری از ابیات و مصاریع آن‏ در حکم امثال سائره است در(نثر النظم و حل العقد)ثعالبی(ص 127-130)و قسمتی‏ از آن در(طبقات الشافعیه)سبکی ج 4 ص 5 آمده است.

امّا(سبکی)این بیت را بضمیمهء سه بیت دیگر به قاضی(ابی الطیب طبری) متوفی در 450 نسبت داده است(طبقات ج 3 ص 178).و شاید هم اخیر الذکرا آنرا تضمین کرده باشد.

\*\*\*

دع عنک لومی فان اللّوم اغراء و داونی بالّتی کانت هی الدّاء(ص 117)

ترجمه:از سرزنش کردن من دست بردار و با همان(می)که خود درد است درمانم کن. این بیت مطلع قصیدهء خمریه معروف(ابی نواس)است و مضمون بیت از مضامین‏ مشهور و متداوله میان شعرای دو زبان است و از جمله(اعشی)و(منوچهری) کرارا آنرا بیان کرده‏اند.

\*\*\*

ألم تر أن المرء تدوی یمینه‏ فیقطعها عمدالیسلم سائره(ص 118)

ترجمه:نبینی که آدمی دست راستش بیمار میشود پس خود باختیار آن(دست بیمار)را میبرد تا دیگر(جای بدنـ)ش درست بماند.

1)این بیت را بضمیمهء بیت دیگری بدینصورت:

ألم تر أن المرء تدوی یمینه‏ فیقطعها عمدا لیسلم سائره‏ فکیف تراه بعد یمناه صانعا بمن لیس منه حین یبدو سرائره

ابی اسحق و شاء در(الموشی ص 100)به(محمد بن عبد اللّ?ه بن طاهر خزاعی)و نویری‏ در(نهایة الارب ج 3 ص 100)به(عبید بن عبد اللّ?ه بن طاهر خزاعی)نسبت داده‏اند.

2)ثعالبی(یا میکالی؟)در(المنتحل-باز هم ص 100)همان دو بیت را از(ابراهیم بن عبّاس صولی)دانسته است امّا در دیوان صولی که بهمّت علامه میمنی‏ راجکوتی ادام اللّ?ه عمره جمع آوری و چاپ شده این ابیات نیامده است.

3)در کتاب(مضاهاة امثال کلیلة و دمنة)ص 51 هر دو بیت با مختصر اختلافی‏ و در مستطرف(ج 1 ص 28)فقط بیت ما نحن فیه بدون انتساب نقل شده است.

\*\*\*

اذا أنت أکرمت الکریم ملکته‏ و ان انت أکرمت اللئیم تمرّدا

(ترجمه)هرگاه تو گرانمایه‏ای را گرامی داشتی او را بندهء خویش ساختی و اگر تو فرومایه‏ را گرامی داشتی او گردنکشی کند.

از(متنّبی)است در قصیدهء معروف او بمطلع:

لکل امرئ من دهره ما تعوّدا و عاداة سیف الدولة الطعن فی العدی

در مدح سیف الدوله و تهنیت او بعید اضحی که این قصیده از شاهکارهای متنّبی است‏ و بسیاری از ابیات آن در حکم امثال سائره میباشد.(دیوان ص 307-309).

\*\*\*

فان یکن لافعل الّذی ساءَ واحدا فافعاله اللائی سررن ألوف(ص 123)

ترجمه:اگر کاری که اندوهگین ساخت یکی بود همانا کارهای او که شاد ساخت هزاران بود.

ایضا از(متنّبی)است در مقطوعهء پیج بیتی او.(دیوان ص 212)

طاهری شهاب-ساری‏

غزل

کسیکه در ره جانا نه جان فدا نکند بیان دوستی خویش را ادا نکند وفا و غیر چه جوئی دلا در این ایام‏ که آشنا نگهی سوی آشنا نکند من این خلاف مروت بدوستی دانم‏ بپای دوست،هر آنکسکه جان فدا نکند من این بدیدهء تحقیق و گویمم‏ وفا بهیچکس این چرخ بیوفا نکند در این دو روزهء هستی غمین مباش ایدل‏ که عمر رفته دگر چشم بر قفا نکند بدور عمر چنان زی که در زمان شباب‏ سپیدموی تو این کهنه آسیا نکند کسیکه چشم بصارت گشود همچو(شهاب) حکایت از جم و جام جهان نما نکند